

با دوستان مروت، با دشمنان صلابت

احمد عبداللّٰه! در ادامه مرور آیاتی از قرآن کریم که به اهمیت حفظ وحدت و هم بستگی می پردازد، بخش اول آیه ۲۹ سوره فتح را تلاوت می کنیم که خداوند تعال می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَثْبَدُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا مَّجْبُودًا يُتَّبَعُونَ فُضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ، محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و درمیان خودشان مهربانند. آن ها را پیوسته در رکوع و سجود می بینی که فضل و رضوان را از خدا می جویند و نشانه آن ها در رخسارشان از اثر سجود، نمایان است.»

در این آیه، شیوه ارتباطات هر مؤمن ترسیم شده است که رابطه او با بیگانگان، شدت و سختی دارد، با خودی ها، با محبت و مهربانی رفتار می کند و در برابر خداوند، عبودیت و بندگی دارد. به عبارت دیگر، این آیه جامعیت اسلام را نشان می دهد که در مسائل سیاسی سختی با کفار، در اخلاق اجتماعی رحمت با دوستان و در بعد معنوی، رکوع و سجود را تکلیف کرده است. امام صادق ^(ع) در بیان این آیه فرموده اند: «مراد از آناری که در چهره یاران رسول خدا نمایان است، آثار شب زنده داری است.» نکته مهم آیه، لزوم حفظ وحدت میان یاران رسول خدا^(ص) و مسلمانان است که در عین عبادت و بندگی خداوند، با یکدیگر مروت و مدارا دارند و سختی و صلابت خود را برای دشمن خویش نگه می دارند. این دقیقاً همان اصلی است که امروز با رعایت آن، مقابل استکبار جهانی ایستاده ایم و مسیر پیروزی های آینده نیز وقتی هموار می شود که برای حفظ وحدت، از خطاهای یکدیگر بگذریم تا مقابل دشمن یک صدا باشیم و دشمن، رؤیای تفرقه میان ما را نداشته باشد.

حکمت

یاد مرگ، برای اینکه زندگی را جدی بگیریم

علیرضا وکیل! معمولاً وقتی از مرگ حرف می زنیم، فضا سنگین می شود و ترجیح می دهیم بحث را عوض کنیم. انگار فکر می کنیم یاد مرگ، زندگی را تلخ می کند. اما حضرت امیرالمؤمنین ^(ع) نگاه دیگری دارند و در نامه ۳۱، یاد مرگ را نه برای ترساندن انسان، بلکه برای تربیت کردن او مطرح می کنند، برای اینکه یادمان نرود که فرصت زندگی محدود است.

حضرت پس از سفارش به زنده کردن دل با موعظه، تقویت آن با یقین و روشن کردنش با حکمت، می فرمایند، «وَذَلَّلْهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ: دلت را با یاد مرگ رام کن!»

«رام کردن دل» تعبیر تأمل برانگیزی است. دل انسان گاهی دنبال خواسته هایی می رود که پایانشان را نمی بیند، بیشتر می خواهد، بیشتر جمع می کند، بیشتر دیده شدن می خواهد و مدام فردا را به امروز ترجیح می دهد. یاد مرگ، این دل سرکش را متوجه محدود بودن فرصت ها می کند.

مثلاً گاهی پدری آن قدر درگیر کارودرآمدست که ماه هاست یک گفت وگویی درست با فرزندش نکرده است. مدام می گوید «بعداً جبران می کنم.» اما اگر واقعاً باور داشته باشد که فرصت همیشه باقی نیست، شاید همین امشب گوشی تلفن همراه را کنار بگذارد و کنار فرزندش بنشیند یا کسی که مدت هاست با خواهر، برادر یا دوستش قهر است، با یاد محدود بودن فرصت زندگی، شاید زودتر برای آشتی قدم بردارد.

یاد مرگ قرار نیست انسان را از زندگی ببندارد؛ برعکس، کمک می کند زندگی را درست تر زندگی کند. کسی که می داند فرصت محدود است، کمتر وقتش را صرف حسادت، کینه، چشم و هم چشمی و دعوای بی ارزش می کند و بیشتر، قدر آدم ها و لحظه هایش را می داند.

قرآن کریم نیز می فرماید: «كُلْ نَفْسٍ ذَائِقَةً الْمَوْتِ: هر انسانی مرگ را می چشد.» (آل عمران/ ۱۸۵). مسئله این نیست که آیا مرگ می آید یا نه، مسئله این است که تا پیش از آمدنش، چگونه زندگی کنیم.

امام علی ^(ع) با این فراز، به فرزندشان یاد می دهند که مرگ را از زندگی حذف نکن؛ آن را به معیاری برای انتخاب هایت تبدیل کن. قبل از هر تصمیم مهم از خودت بپرس: اگر بدنام فرصت زیادی ندارم، بازهم همین رفتار را انتخاب می کنم؟

یاد مرگ، بیش از آنکه پایان زندگی را به ما یادآوری کند، ارزش همین امروز را به ما برمی گرداند.

احکام

دهه سازی و نظر مراجع تقلید

سمانه رضوانی! «دهه سازی» برای مناسبت های بعد از محرم و صفر، به ویژه در سال های اخیر، به یکی از موضوعات سؤال برانگیز «درمیان جامعه شیعه تبدیل شده است. از جمله این موضوعات، «دهه محسنیه» است که در روزهای آغازین ماه ربیع الاول، با هدف عزاداری برای حضرت محسن بن علی ^(ع)، شکل گرفته است. این حرکت در برخی هیئت ها از حدود سال ۱۳۹۲ در شهرهای قم و تهران رونق یافت.

اصل واقعه و پرسش از زمان

اصل شهادت حضرت محسن ^(ع) در جریان هجوم به خانه حضرت فاطمه ^(ص) و سقط ایشان، از مسلمات تاریخی و روایی است که در منابع شیعه و اهل سنت به آن اشاره شده است. با این حال مهم ترین نکته ای که علمای تاریخ به آن اشاره می کنند، قطعیّت نداشتن در تاریخ دقیق وقوع این حادثه است. بسیاری از شواهد تاریخی نشان می دهد که این واقعه در روزهای نخست پس از رحلت پیامبر اکرم ^(ص) رخ نداده است. این ابهام تاریخی، پایه های تقویمی دهه محسنیه را که از ۲۸ صفر تا ۸ ربیع الاول تعیین شده است، با تردید جدی مواجه می کند.

فتوای مراجع

باسخ آیت الله العظمی شیری زنجانی، بیش از آنکه متوجه اصل بزرگداشت حضرت محسن ^(ع) باشد، معطوف به روش و رویه «دهه سازی» است. ایشان با هشدار درباره ترویج دهه های پیاپی عزاداری می گوید: «افراط در عزاداری ها به تفریط می انجامد. از آنجا که جامعه نمی تواند نسبت به همه عزاداری های پیاپی مراقبت داشته باشد، سرانجام به انکار مجموع عزاداری روی می آورد.»

همچنین در پاسخ به سؤال درباره برگزاری ایام محسنیه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی می گوید: «توسل به ذیل عنایت معصومین ^(ع) و فرزندان آن ها کار بسیار خوبی است. ولی بهتر این است که برنامه های جدیدی که درمیان شیعه سابقه نداشته است، ترتیب داده نشود تا برنامه های موجود، کم رنگ نگردد.»

در نهایت، بحث درباره دهه محسنیه، سؤالی است درباره چگونگی حفظ و پاسداشت شعائر دینی و ضرورت همسو بودن آن با فهم عرفی، فتوای بزرگواران، تأکید مراجع دینی بر پرهیز از افراط و تفریط است.

شکر



تحلیلی قرآنی و روایی بر رفتارشناسی زوجها برای میانجی گری در بحران های شدید خانوادگی

گفت وگو در طوفان اختلاف

در منظومه معارف اسلامی، به اصلاح میان مردم و به ویژه زوج ها، یک چیز بسیار سفارش شده است و رسول خدا^(ص) آن را برتر از عموم نماز و روزه ها دانسته اند: «إِصْلَاحُ ذَاتِ الْاِثْنَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَاقِبَةِ السَّالَةِ وَالصَّيَّامِ.» اما همین امر مقدس، اگر بدون دانش، صبورى و مرزشناسى انجام شود، طبق بیان امیرالمؤمنین ^(ع) می تواند به «افزایش فساد و تنش» بینجامد. در چنین شرایطی، میانجی یا فرد خیرخواه قبل از هرگونه اقدام، باید تحلیل دقیقی

از وضعیت روان شناختی و دو طرف داشته باشد تا ناخواسته، شتاب دهنده نزاعی جدید نشود. در طوفان اختلافات شدید زوج ها که دو طرف به لحاظ روانی، هم زمان تحت تأثیر «سازوکارهای دفاعی» و «خشم حاصل از احساس بی ابرویی» قرار دارند، مرز یاریکی میان «تلاش برای آتش بس» و «تلاش برای اثبات مظلومیت» وجود دارد. در این فضا، هر «دعوتی به گفت وگو، لزوما به معنای «آمادگی برای صلح» نیست. بسیار پیش می آید که یکی از دو طرف، گفت وگو را نه برای حل مسئله، بلکه به عنوان سنگی برای سنگر جدید، ابزاری برای تخلیه هیجانات یا محلی برای یارکشی اجتماعی می خواهد. بازشناسی «گفت وگوی اصلاحی» از «تخلیه هیجانی»، نخستین قدم برای جلوگیری از گسترش دامنه خسارت ها در خانواده است.

مرزگذاری، راهی عملی برای سنجش دو طرف

- میانجیگران یا اطرافیان دلسوز برای اینکه در باتلاق اتهامات دو طرف غرق نشوند، باید از تکنیک «تست مرزگذاری» استفاده کنند.

قدم اول

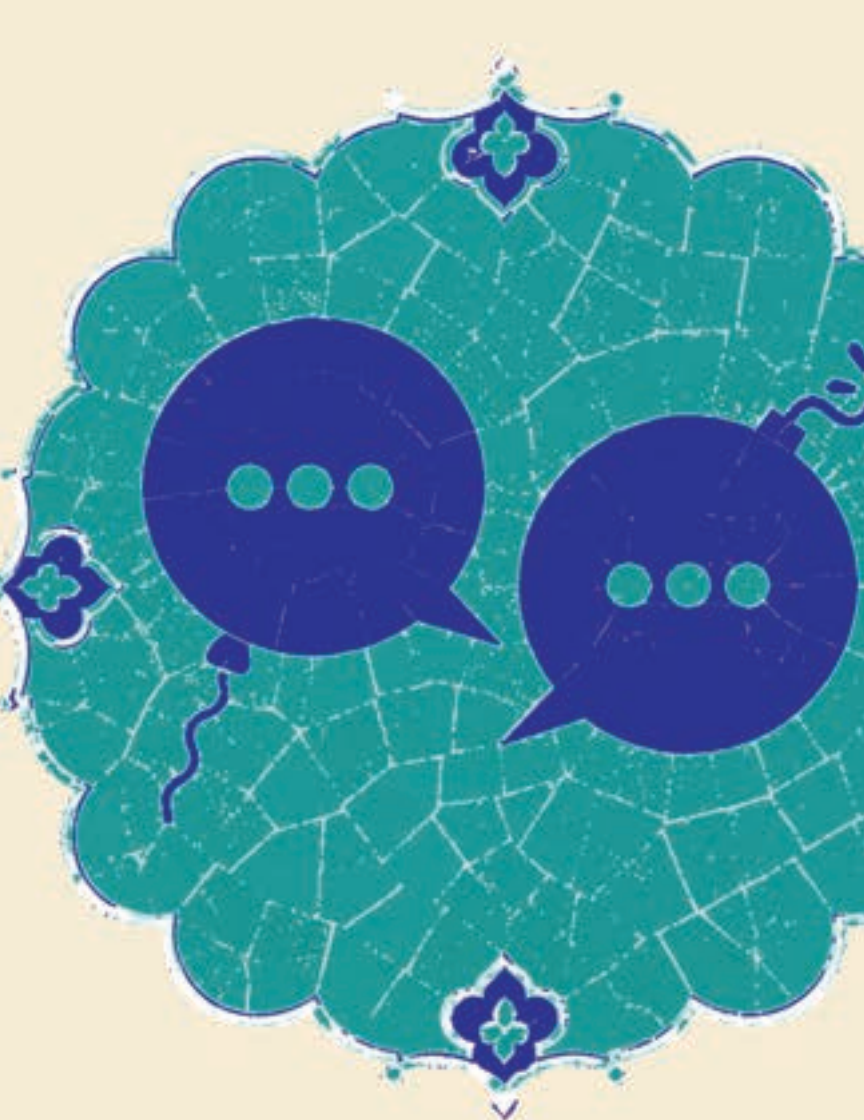
شفاف سازی هدف و زمان: پیش از برگزاری هر جلسه ای (تلفنی یا حضوری) باید تصریح شود: «گفت وگو فقط در مدت پنج دقیقه و صرفا با محوریت کاهش تنش و[مثلا] مسئله فرزند انجام می شود، نه مرور اختلافات مالی و اخلاقی.»

قدم دوم

ارزیابی واکنش: قرآن کریم به ما آموخته است که یکی از نشانه های پایبندی به عدل، آنجاست که موضوعی به ضرر خودمان باشد، (كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ؛ یابیند به دادگری باشید، حتی اگر به زیان خودتان باشد). بنابراین، اگر دو طرف دعوا این چارچوب را بپذیرفتند، می توانند نشانه ای از «غلبه عقلانیت بر هیجان» باشد. در غیر این صورت، ادامه میانجیگری احتمالا بی فایده است و باید آن ها را صرفا به «م تخصصان بی طرف (مشاوران حقوقی و روان شناسان)» ارجاع داد.

قدم سوم

ممنوعیت نقش های حساس: میانجی هرگز نباید نقش «ضامن مالی»، «پیک پیام های تند» یا «حرا رکنده خیانت/تقصیر» را بپذیرد. ورود به این حوزه ها، میانجی را به بخشی از آتش نزاع، تبدیل می کند.



سخن پایانی، آشتی و سازش، نسخه فوری ندارد

● اگر افرادی که در نقش میانجی باهمراه قرار می گیرند، بتوانند مرزهای اخلاقی را حفظ کنند، فضای زندگی کودکان را پاکیزه نگه دارند و از دامن زدن به حواشی بیرهزند، زمینه برای فروکش کردن طوفان و گرفتن تصمیم های عاقلانه، چه بازسازی مشروط زندگی باشد و چه (خدای ناکرده) جدایی محترمانه و بی خسارت، فراهم خواهد شد. توکل بر خدا و خویشستن داری، راهگشای این مسیر پریپیچ و خم است.

● قرآن کریم در آیه ۱۲۸ سوره نسا می فرماید: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَصَلح بهتر است.» اما صلح، یک «فرایند» است نه یک «تصمیم یک شبه». بحران های شدید خانوادگی، ناگهانی ایجاد نشده اند که ناگهانی فروکش کنند. بنابراین در این وضعیت، نخستین گام اصلاح، «توقف تخریب متقابل» است، نه آشتی شتاب زده.

سید حمیدرضا حسینی دانشور

دبیر آموزش و پرورش، مدرس حوزه، پژوهشگر علوم رفتاری



گزارش

گفت وگو، ابزاری برای سازش

● یکی از شاخصه هایی که در قرآن کریم درباره تقوایبان شده، این است که افراد برای رسیدن به انضباط رفتاری، از خصومت های شخصی عبور کنند. «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَمْلِكُوا ذَاتَ يَتَنِيَّكُمْ.» بنابراین برای تشخیص اینکه آیا دو طرف درگیری، آمادگی واقعی برای گفت وگو دارند یا فقط می خواهند پرونده خشم را باز نگه دارند، باید به نشانه های زیر توجه کرد:

جهت گیری و تمرکز گفت وگوها

فردی که هنوز در فاز «تخلیه هیجانی» است، تمام همت خود را بر «اثبات تقصیر گذشته طرف مقابل» می گذارد. درمقابل، فرد آماده گفت وگو، بیشتر درباره «چگونگی کاهش آسیب در آینده» صحبت می کند.

طلب شاهد و قاضی

کسی که در میانه گفت وگو می پرسد: «خودت بگو حق با کیست؟»، داور نمی خواهد، بلکه دنبال «اثبات حقانیت خود» است.

واکنش به مرزبندی بی طرفانه

واکنش دو طرف به این سخن میانجی که می گوید: «من فقط برای کاهش تنش اینجا هستم و وارد قضاوت درباره گذشته نمی شوم»، عیار آمادگی شان را نشان می دهد. برعکس زدن، ناراحتی شدید یا متهم کردن میانجی به بی عرضگی، نشانه واضح «آماده نبودن برای سازش» است.

کودک، قربانی خاموش معرکه والدین

● بزرگ ترین گناه غیرمستقیم در اختلافات زناشویی، تبدیل کردن فرزند به «ابزار فشار»، «سپر انسانی» یا «سطل اشغال هیجانات منفی» است. پیامبر اکرم ^(ص) فرمودند: «أَتْرَكُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَخْسِنُوا أَقَابَهُمْ؛ فرزندانان را گرمی بدارید و آداب آن ها را نینکو گردانید.» گرمی داشتن کودک در بحران یعنی «کودک نباید از جزئیات اختلافات، توقیف اموال، دادگاه ها و فحاشی ها مطلع شود. تخریب چهره یکی از والدین نزد کودک، تخریب نیمی از هویت و روان خود کودک است.

● همچنین محروم کردن یکی از والدین از دیدار با فرزند به تلافی مشکلات مالی یا اخلاقی، مصداق «ظلم» در فرهنگ دینی است. حق والدگری، حق مستقل الهی و قانونی است. باید والدین را آگاه کرد که حملاتی نظیر «به مادرت/ پدرت بگو...»، صدمات جبران ناپذیری به ساختار شخصیتی کودک وارد می کند و می تواند او را دچار اضطراب مزمن می کند.

اطرافیان، آتش نشان یا آتش فشان؟

● معمولا در اختلافات و درگیری های زوج ها، اطرافیان دلسوز (به ویژه والدین زوج های جوان) از سر محبت اما با هیجان فراوان، وارد معرکه می شوند و ناخواسته، آتش را شعله ورتر می کنند. برای مدیریت این آسیب، سه اصل باید رعایت شود:

بناگاهاه باشید نه قاضی

بزرگ تهرای فامیل نباید جلسات محاکمه خانوادگی تشکیل دهند. نقش دینی آن ها «وَصَالِحِينَ لِلْأَرْحَامِ» است؛ یعنی ایجاد سکون، آرامش و حفظ حرمت ها، نه بازجویی.

جلوی نشست اطلاعات را بگیرید

نقل حرف های «دو طرف برای یکدیگر، شرعا مصداق «نمیمه» (سخن چینی) و «غیبت» است که قرآن آن را شذیدا نهی کرده است. اطرافیان باید اخبار دعوا را قرض نینهند.

با صبوری و آرامش رفتار کنید

گاهی بهترین کمک به یک خانواده بحران زده، صلح اجباری نیست، بلکه «آتش بس، سکوت و ایجاد فاصله زمانی» است تا هیجانات فروکش کند و عقلانیت به روابط بازگردد.



آیت الله العظمی شحرین

یارنماز

یاد حسین ^(ع) و آمادگی برای دیدار خداوند

اگرچه این زیارت، گاهی قلبی و با یک سلام انجام شود.

معروف است که برخی به آیت الله خوانساری عرض کردند: «چرا پیش از نماز به حضرت سیدالشهدا سلام می دهید؟» ایشان در پاسخ گفت: «اگر قیام سیدالشهدا ^(ع) نبود، این نماز هم نبود، نهضت اباعبدالله ^(ع) بود که نماز را نگه داشت و اگر نمازی امروز پا برجاست، به برکت حرکت سیدالشهداست.»

از این رو، سفارش ها و توصیه های بزرگان و علما، همواره با تأکید بر زیارت و یاد امام حسین ^(ع)، همراه بوده است.

گواهی می دهیم که تو نماز را برپا داشتی!

در بخشی از زیارت نامه امام حسین ^(ع) می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنْتَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ؛ گواهی می دهیم که تو نماز را برپا داشتی!» دین پیامبر^(ص) و به تبع آن، نماز، با مجاهدت و فداکاری امام حسین ^(ع) باقی مانده است. یکی از حکمت های سلام دادن اولیای الهی به آن حضرت پیش از نماز، یادآوری این مجاهدت عظیم و شکرگزاری برای نعمتی است که به برکت قیام او به ما رسیده است.

اگرچه بی تردید، نام و یاد امام حسین ^(ع)، دل و ذهن انسان را برکت می دهد و عبادت و زندگی او را روشن تر و کامل تر می کند. طبق روایات ما، دلی که می شنکند، خانه خدا و مورد توجه خداوند می شود و یاد حضرت سیدالشهدا ^(ع) برای عاشقان او با اشک و دل شکسته ای همراه است که برای بار یافتن به محضر پروردگار، لیاقت و شایستگی لازم را پیدا کرده است.